

ایران و انقلاب مشروطیت

ادامه از شماره گذشته
بخش پایانی



یک شنبه یکم جولای سال ۱۹۰۶ میلادی

امروز برابر است با ۱۰ تیر (سرطان) سال ۱۲۸۵ خورشیدی و مطابق با هشتم جمادی اول سال ۱۳۲۴ قمری

امروز محمدخان غازی یاورفوج قزوین، سید عبدالحمید را که از طرفداران مشهور تأسیس عدالت‌خانه بود در تهران هدف گلوله قرار داد. این امر باعث طغیان و آشوب مردم شد و در زد و خورد مأموران با مردم بیشتر از ۱۰۰ نفر کشته و زخمی شدند. حادثه در پی متحصن شدن مردم و علما در مسجد جامع تهران به وقوع پیوست. سید عبدالحمید را نخستین شهید مشروطیت گفته‌اند یک شنبه هشتم جولای سال ۱۹۰۶ میلادی

امروز برابر است با ۱۷ تیر (سرطان) سال ۱۲۸۵ خورشیدی و مطابق با ۱۵ جمادی اول سال ۱۳۲۴ قمری

زدو خورد، آشوب هرج و مرج و بی‌عدالتی سراسر ایران را فرا گرفته است. کشتار مردم بی‌گناه، دستگیری، تبعید و زندانی کردن مردمی که برای به دست آوردن آزادی اجتماعی علیه استبداد حکومت قاجار مبارزه می‌کنند، هر روز دامنه‌ی

«سید عبدالحمید نخستین شهید مشروطیت نام گرفته است»

گسترده‌تری می‌یابد. مردم و رهبران آن‌ها خواهند یک حکومت دموکراتیک و تأسیس عدالت‌خانه و یا دولتی هستند که نمایندگان مردم در ساختار سیاسی آن حضوری دائمی داشته باشند و هیئت حاکمه از صورت انتصابی درآمده و به صورت انتخابی سرنوشت مردم را در دست گیرند. مظفرالدین شاه که با بحران روز افزون و گسترش دامنه‌ی اعتراض‌های مردم نمی‌تواند مقابله کند و از سوی دیگر خواستار آن نیست که حکومت مطلقه و مستبد خود را از دست بدهد در نظر دارد با وعده‌های بدون عمل وقت گذرانی کرده و منتظر فرصت‌های مناسب بعدی باشد. مردم و رهبران مشروطه و گروه روحانیون مبارز که پیش‌تر از نیت شاه با خبر شده بودند تصمیم گرفتند یک بار دیگر دست به تحصن بزنند. عواملی که باعث شدند مردم و رهبران مشروطه دست به تحصن دوم و مهاجرت کبیر بزنند عبارت بودند از:

اوج اعتراض مردم علیه حکومت استبدادی قاجار: مهاجرت کبیر و بست‌نشستن مردم آزادی خواه در سفارت انگلستان بود.

۱- دستگیری حاج میرزا حسن رشیدیه و مجدد الاسلام کرمانی و میرزا آقا اصفهانی و تبعید آنان به کلات نادری.

۲- دستگیری حاج شیخ محمد واعظ در هنگام دستگیری و بازداشت شیخ محمد درگیری و زد و خورد نسبتاً گسترده‌ای بین مأموران حکومتی به وقوع پیوست و مردم با شجاعت شیخ محمد را از حلقه‌ی محاصره مأموران نجات دادند. در این ماجرا دو تن از مبارزان مشروطه خواه به نام‌های: سید حسین و سید عبدالحمید توسط مأموران به شهادت رسیدند.

۳- ماجرای مسجد جامع تهران که منجر به زد و خورد مردم با نیروهای دولتی و اوباش و مزدوران حکومتی شد و حدود ۱۰۰ نفر از مبارزان راه آزادی کشته شدند.

۴- گستاخی مأموران حکومتی و چماق داران مزدور دولتی که در هر کوی و برزن ایجاد آشوب و اغتشاش می‌کردند و مردم بی‌گناه را تا دم مرگ کتک می‌زدند و با ایجاد جو رعب و وحشت از

حضور مردم در تظاهرات ضد استبداد جلوگیری می‌نمودند.

۵- توقیف روزنامه‌ها، تعقیب، دستگیری و قتل روزنامه‌نگاران و تبعید و زندانی کردن روشنفکران و رهبران مشروطه. دامن زدن به اوضاع نابسامان توزیع نان و ارزاق عمومی و بالا بردن نرخ غلات که توسط سرمایه‌داران وابسته به هیئت حاکمه احتکار شده بود و ایجاد قحطی‌های تصنعی که موجب می‌شد نوعی آشوب و اغتشاش عمومی ایجاد شود. مردم ناآگاه بدون توجه به حضور دولت مردان در این گرانی‌ها، گناه اصلی را از جانب مخالفان حکومتی می‌پنداشتند و در موارد بسیاری زد و خوردهای گسترده‌ای بین مردم و مبارزان مشروطه‌خواه صورت می‌گرفت.

تحصن دوم مردم و رهبران مشروطه در مقایسه با تحصن اول از سازمان‌دهی و تشکیلات و نظم بهتر و بیشتری برخوردار بود و شرکت‌کنندگان در تحصن دوم متانت خود را کاملاً حفظ کردند. بست نشینان در این نوبت به دو دسته تقسیم شده و در دو محل بست نشستند. گروه‌های روشنفکر و اصلاح طلبان عرفی که تعدادشان بین ۱۲۰۰۰ تا ۱۴۰۰۰ نفر بود که با موافقت گوانت - داف^(۱) قرارداد وقت سفارت انگلستان در محوطه‌ی تابستانی سفارت انگلیس در قلهک متحصن شدند و اعلام کردند تا اعطای مشروطیت از سوی شاه



محل را ترک نخواهند کرد. در محوطه‌ی سفارت انگلیس اصناف مختلفی شرکت داشتند که هر یک از اصناف به فراخور حال و روزگار خود کمک‌های نقدی و جنسی خود را به نمایندگان متحصنین می‌دادند تا هزینه‌ی غذایی و اقامت آنان تأمین شود.

بست نشینان به منظور جلب توجه مظفرالدین شاه به درخواست‌های قانونی‌شان هنوز چند روزی به تولد شاه مانده بود که مقدمات جشن مفصلی را در محوطه‌ی سفارت تدارک دیدند. تزیین سر در سفارت و ایجاد طاق نصرت در خیابان‌های اطراف و پخش نقل و شیرینی و شربت به مناسبت جشن تولد مظفرالدین شاه و پذیرایی از میهمانان و مدعوین، بخشی از برنامه‌های جشن تولد شاه در محوطه‌ی سفارت بود.

صبحانه و نهار و شام بست نشینان توسط تعداد بی‌شماری آشپز و آبدارچی و در دیگ‌های مسی خیلی بزرگ و در مدخل ورودی و در خیابان‌های اصلی پخته و آماده می‌شد و بین متحصنین با نظم و ترتیب خاصی تقسیم می‌گردید.

خواست‌های بست‌نشینان سفارت انگلستان در تهران

۱۵۲ چادر بزرگ محل سکونت
۱۵۰۰ نفر بست نشین معترض به
استبداد را در سفارت انگلستان
تشکیل می‌داد.

از

مظفرالدین شاه به شرح زیر خلاصه می‌شد:

- ۱- معاودت علما (بازگشت محترمانه‌ی روحانیون از قم و حضرت عبدالعظیم)
- ۲- برقراری امنیت فردی و اجتماعی
- ۳- عدم اذیت و آزار مردم
- ۴- عدم دستگیری و شکنجه و زندانی کردن افراد
- ۵- افتتاح عدالت‌خانه
- ۶- جلوگیری از احتکار ارزاق عمومی توسط تجار وابسته به دولت
- ۷- جلوگیری از تبعید مبارزان آزادی خواه
- ۸- قصاص قاتلین عوام الناس
- ۹- عزل صدر اعظم
- ۱۰- بازگشت تبعید شدگان

یکی از ویژگی‌های انقلاب مشروطه ایران علاوه بر شرکت روحانیون داخل کشور در نهضت آزادی مردم ایران، پشتیبانی مادی و معنوی علمای طراز اول ساکن شهرهای نجف و کربلا از نهضت مشروطه خواهی ایرانیان بود. آن‌ها با اطلاعیه‌های مکرر خود ضمن پشتیبانی قاطع از مشروطه خواهان

به شاه و دولت وقت هشدار می‌دادند که به خواسته‌های مردم توجه کرده و به تأسیس عدالت خانه اقدام نمایند.

دوشنبه ۲۳ جولای سال ۱۹۰۶ میلادی

امروز برابر است با ۳۱ تیر (سرطان) سال ۱۲۸۵ خورشیدی و مطابق یکم جمادی ثانی سال ۱۳۲۴ قمری

به نظر می‌رسد هیچ کس حاکم بر سرنوشت سیاسی ایران نیست. در شهرها آشوب و در تهران فتنه غوغا می‌کند. همه انقلابی شده‌اند و هیچ کس به درستی نمی‌داند چه می‌خواهد. عده‌ای در تلگراف خانه‌ها متحصن شده‌اند، گروهی به مسجدها پناه برده‌اند، دسته‌هایی عازم قم شده و در صحن حضرت معصومه بست نشسته‌اند، تعداد بیش‌تری در صحن حضرت عبدالعظیم جمع شده‌اند، گروه‌های فراوانی به سفارت انگلستان پناه برده‌اند، افرادی سفیر عثمانی را واسطه کرده‌اند و تعدادی نیز به سفارت روسیه رفته‌اند و تقاضای آزادی و تأسیس عدالت‌خانه دارند. تأمین هزینه‌ی خیل بی‌کاران و متحصنین و بست نشینان به صورت رازی ناگفته باقی است و هیچ کس نمی‌داند هزینه‌ی غذایی و خدماتی ده‌ها هزار نفری که در گوشه و کنار تهران و شهرستان‌ها بست نشسته‌اند با چه کسی می‌باشد؟ مردم کوچک و بازار هم دریافته‌اند که هزینه‌ی سنگین این اقدامات باید از افراد و یا گروه‌های ناشناس تأمین شود.

اگر چه آمارهای ارایه شده دقیق و حساب‌گرانه نیست، اما گفته می‌شود که فقط در باغ سفارت انگلستان بیشتر از ۱۵۰۰۰ نفر مستقر شده‌اند که کاری جز خوردن و خوابیدن ندارند و از اولیای امور سفارت فخیمه‌ی بریتانیا در ایران استدعای کمک دارند!! این بخش بسیار کوچکی از هزینه‌های جاری مشروطه خواهان است.

در محوطه‌ی سفارت انگلستان برای اسکان بست نشینان ۱۵۲ چادر بر پا شده است که هر یک و یا چند چادر برای سکونت موقتی یک صنف از صنف‌های مختلف در نظر گرفته شده و افراد وابسته به آن صنف در آن چادر جای گرفته‌اند. برای این جمعیت عظیم بست نشین در باغ سفارت انگلستان روزانه چهار خروار (هر خروار ۳۰۰ کیلوگرم) قند و ۱۵ خروار نان و ۱۰ خروار برنج و دو خروار گوشت و دو خروار انواع سبزی و سه خروار میوه و ۱۵۰ کیلو چای و ۵۰۰ کیلو روغن و ده‌ها خروار مواد غذایی دیگر مورد نیاز است که منبع واقعی تأمین آن مشخص نیست! می‌گویند بازرگانان عمده و مدیران اتحادیه‌های صنفی و افراد آزادی خواه هزینه‌ی بست نشینان را تأمین می‌کنند، اما بعید به نظر می‌رسد که با توجه به

کمبود گندم، آرد، نان و مواد غذایی مورد نیاز مردم در سراسر ایران چنین موضوعی درست باشد. بسیاری از مردم کوچک و بازار اعتقاد دارند که هزینه‌های جاری اعتصاب کنندگان از سوی دولت‌های خارجی و به ویژه انگلستان تأمین می‌شود. اگر این برداشت درست باشد، انگلستان در صورت پیروزی، مشروطه خواهان چه نفعی خواهد برد؟

دوشنبه ۲۳ جولای سال ۱۹۰۶ میلادی

امروز برابر است با ۳۱ تیر (سرطان) سال ۱۲۸۵ خورشیدی و مطابق با یکم جمادی ثانی سال ۱۳۲۴ قمری.

با تحریک روس‌ها گروهی از اوباش و ولگردان تهران به تقلید از متحصنین سفارت انگلستان در محوطه‌ی سفارت روسیه در تهران جمع شده و تقاضای عدالت‌خانه کرده‌اند. افراد مذکور با دریافت پول از مأموران روسیه یک دیگ بزرگ چلوکباب خریده و قصد داشتند به بهانه‌ی تغذیه‌ی مردم، آن‌ها را با خود هم داستان کرده و در محوطه‌ی سفارت روسیه بست بنشینند. روس‌ها نیز در آغاز کار مبلغ ۱۰۰۰ تومان به آن‌ها داده بودند تا هزینه نمایند. مردم تهران و متحصنین سفارت انگلستان وقتی از ماجرا آگاه شدند به سفارت روسیه حمله کرده و تمام اوباش حاضر در محوطه‌ی سفارت را با حیل و نیرنگ از سفارت خارج کرده و کتک مفصلی به آن‌ها زدند و آن‌ها را متفرق کردند. اما این پرسش باقی مانده است که چرا دولت‌های انگلستان و روسیه که در صد سال اخیر عامل اصلی ایجاد اختلاف و ناامنی بین مردم بوده و همواره ثروت ملی ما را به یغما برده‌اند، در فکر استقلال و اعاده دموکراسی و ایجاد حکومت پارلمانی افتاده‌اند و از مشروطه خواهان طرف‌داری می‌کنند!! رفتارهای دوگانه و گفتارهای ضد و نقیض این دو رقیب دیرینه‌ی سیاسی ایران، یعنی روسیه و انگلستان، دنیایی از شک و تردید و بدگمانی در بین آزادی خواهان واقعی ایران به وجود آورده است.

شنبه ۲۸ جولای سال ۱۹۰۶ میلادی

امروز برابر است با پنجم مرداد (اسد) سال ۱۲۸۵ خورشیدی و ششم جمادی ثانی سال ۱۳۲۴ قمری. امروز آقا سید علاءالدین داماد آقا سید عبدالله (بهبهانی) و پسر حاج سید محمد (طباطبایی) که در گروه روحانیون متحصن در قم بودند به تهران بازگشتند و به حضور مظفرالدین شاه رسیدند و دست خطی از شاه دریافت کردند که برای متحصنین ببرند.



یکشنبه ۲۹ جولای سال ۱۹۰۶ میلادی

امروز برابر است با ششم مرداد (اسد) سال ۱۲۸۵ خورشیدی و هفتم جمادی ثانی سال ۱۳۲۴ قمری. سید علاء الدین و پسر حاج سید محمد که دیروز از جمع روحانیون متحصن قم به تهران آمده و به حضور مظفرالدین شاه رسیده و دست خطی از او گرفته بودند، امروز دست خط شاه را به سفارت انگلستان در تهران بردند و در جمع متحصنین خواندند. تعدادی از بست نشینان سفارت مفاد دست خط شاه را پذیرفته و تعدادی با آن به مخالفت برخاستند. نزدیک بود بین موافقان و

۴۵۰۰ گرم نان ، ۳۰۰۰ کیلوگرم برنج ، ۱۲۰۰ کیلوگرم قند ، ۹۰۰ کیلوگرم میوه ، ۶۰۰ کیلوگرم گوشت ، ۵۰۰ کیلوگرم روغن ، ۱۵۰ کیلوگرم چای و صدها کیلوگرم مواد غذایی دیگر، سهمیه‌ی روزانه‌ی غذایی بست نشینان سفارت انگلستان بود که گفته می‌شد پول آن از سوی مردم !!! تأمین می‌شود.

مخالفان دست خط شاه زدو خورد بشود که موضوع با وساطت رهبران متحصنین خاتمه یافت و مردم تصمیم گرفتند تا پیروزی نهایی به تحصن خود ادامه دهند. در گرما گرم مبارزه مردم با حکومت قاجار و در راه تأسیس عدالت‌خانه، ارتباط غیر رسمی و پنهانی برخی از روحانیون با دربار قاجار پرسش‌هایی را در بین مردم ایران به وجود آورده است.

یکشنبه ۲۹ جولای سال ۱۹۰۶ میلادی

امروز برابر است با ششم مرداد (اسد) سال ۱۲۸۵ خورشیدی و هفتم جمادی ثانی سال ۱۳۲۴ قمری. امروز بعد از ظهر شاگردان دولتی مدرسه‌ی دارالفنون به اتفاق هم محوطه‌ی سفارت انگلستان رفته و به جمع متحصنین پیوستند.

یکشنبه ۲۹ جولای سال ۱۹۰۶ میلادی

امروز برابر با ششم مرداد (اسد) سال ۱۲۸۵ خورشیدی و هفتم جمادی ثانی سال ۱۳۲۴ قمری. استبداد حاکم بر مردم ایران و ظلم فراگستر حاکمیت قاجار بر سراسر ایران موجب خشم فزاینده مردم شده و شهرهای بزرگی چون تهران، قزوین، رشت، تبریز، قم، اصفهان، شیراز و مشهد صحنه‌ی تظاهرات و آشوب و زد و خورد مأموران با مردم گردیده است. انقلاب مشروطه خواهی مردم ایران که به اوج خود رسیده است تغییرات وسیعی را در هیئت حاکمه و دولت قاجار درخواست می‌کند.

سروانجام پس از ماه‌ها مبارزه و زد و خورد مردم با مأموران حکومتی و همچنین تحصن مردم و علمای روحانی در قم و حضرت عبدالعظیم و مساجد و خانه‌ی علما و سفارت خانه‌های خارجی به منظور اعتراض به رژیم استبدادی مظفرالدین شاه و درخواست عدالت‌خانه و برکناری صدر اعظم عین الدوله، امروز به فرمان شاه صدر اعظم از کار برکنار شد و نصر الله خان مشیرالدوله لیرال جای او را گرفت.

سه شنبه ۳۱ جولای سال ۱۳۰۶ میلادی

امروز برابر است با هشتم مرداد (اسد) سال ۱۲۸۵ خورشیدی و مطابق با نهم جمادی ثانی سال ۱۳۲۴ قمری امروز مشیرالدوله صدر اعظم مظفرالدین شاه دست خطی را که سفیر انگلستان نیز مورد تأیید قرار داده بود از سوی مظفرالدین شاه برای آگاهی متحصنین به صحن سفارت انگلستان آورد و برای مردم خواند. مفاد دست خط شاه تأسیس مشورت خانه‌ی ملی بود. این خبر نوید بخش مورد استقبال بست نشینان قرار گرفت و مردم با فریادهای هلهله و شادی به هم تبریک گفتند و بسیاری از آنان محوطه‌ی سفارت را ترک کردند.^(۲)

زیرنویس:

۱- نهضت آزادی خواهی مردم ایران و جنبشی که از اعتراض مردم به گرانی و تورم آغاز گردید و به مبارزه علیه ظلم و بی‌داد هیئت حاکمه انجامید، سرانجام به درخواست برای تأسیس عدالت‌خانه و برپایی حکومت قانون کشیده شد. این انقلاب علاوه بر دلایل متعدد دیگر، از حرکت‌ها و جنبش‌ها و نهضت‌های انقلابی روسیه نیز تأثیر پذیرفت. سیل مهاجران ایرانی مقیم قفقاز که در صنایع مختلف به ویژه در صنعت نفت این منطقه به کار مشغول بودند و تماس هر ساعت و هر روز آن‌ها با کارگران صنعت نفت قفقاز و مردم این ناحیه و بحث و گفت و گو با سازمان‌هایی که علیه حاکمیت سلطه‌گرانه‌ی تزار مبارزه می‌کردند، عامل دیگری بود که مردم ستم دیده ایران را متوجه این حقیقت نمود که با دست خالی نیز می‌توان در مقابل زور و ظلم و سلطه‌گری مقاومت کرد و قوانینی به نفع جامعه وضع نمود. به همین سبب در اوایل نهضت مشروطیت ملاحظه می‌شود که شعله‌های آزادی‌خواهی و مبارزه علیه حکومت زور و سلطه از سوی آذربایجان و بندر انزلی و رشت و بالاخره شهرها و استان‌های مرزی و نزدیک به ایالت‌های جنوبی روسیه، زبانه می‌کشد و مردمی که در دو سوی مرز رفت و آمد می‌کنند از ویژگی‌های انقلابی بیش‌تری برخوردار هستند. و اما آنچه که برشور انقلابی مردم افزود سخت‌گیری، ظلم و ستم دولت مردان و مأموران حکومتی علیه مردم

چهارشنبه یکم آگست سال ۱۹۰۶ میلادی

امروز برابر است با نهم مرداد (اسد) سال ۱۲۸۵ خورشیدی و ۱۰ جمادی ثانی سال ۱۳۲۴ قمری. جمعیت انبوهی که در محوطه‌ی سفارت انگلستان به قصد اعتراض به قوانین استبدادی و به منظور کسب حکومت دموکراتیک و تقاضای تأسیس عدالت‌خانه بست نشسته‌اند هیچ یک از نمایندگان و فرستادگان مظفرالدین شاه را نمی‌پذیرند و چنین به نظر می‌رسد که به جز صدور فرمان تأسیس عدالت‌خانه چیز دیگری آن‌ها را راضی نمی‌کند.

چهارشنبه یکم آگست سال ۱۹۰۶ میلادی

امروز برابر است با نهم مرداد (اسد) سال ۱۲۸۵ خورشیدی و ۱۰ جمادی ثانی سال ۱۳۲۴ قمری. از شهرهای بزرگ ایران خبر رسیده است که مردم به پشتیبانی از مشروطه خواهان تهران دست به تظاهرات زده و با مأموران دولتی به زد و خورد پرداخته‌اند. شهر قم که مرکز تجمع و تحصن گروه فراوانی از روحانیون و مردم تهران می‌باشد، بعد از تهران به عنوان دومین کانون بزرگ مشروطه‌خواهی به مبارزه خود علیه مظفرالدین شاه ادامه می‌دهد. **پایان**

بود. تهران که به عنوان کانون انقلاب مشروطیت نقش عمده و اصلی و محوری در بین دیگر شهرهای ایران داشت، به صورت مرکز مخالفان حکومت خود کامه‌ی قاجار در آمده بود و مردم شهرهای دیگر به پیروی از انقلابیون تهران برنامه‌های خود را تنظیم و اجرا می‌کردند.

علاء الدوله که از سوی صدر اعظم مظفرالدین شاه به حکومت تهران دست یافته بود، در تحریک احساسات ملی مردم تهران سهم عمده‌ای داشت. علاء الدوله بدون اینکه اطلاعی از حقیقت امر داشته باشد به بازداشت و زندانی کردن مخالفان می‌پرداخت و مردم معترض را در سرگذرها و در کوچه و بازار به چوب و فلک می‌بست. به چوب بستن ۱۷ نفر از بازرگانان مشهور تهران به فرمان علاء‌الدوله علاوه بر تحریک احساسات مردم، موجی از شایعات را در سراسر ایران پراکنده کرد و مردمی را که تا این زمان تنها تقاضای تأسیس عدالت‌خانه می‌کردند وادار کرد تا علیه صدر اعظم و حاکم تهران و حتی مظفرالدین شاه شعار بدهند و خواستار برچیده شدن حکومت قاجار به شوند.

اوضاع تهران سبب شد تا مردم کرمان علیه حاکم مستبد آن و مردم شیراز علیه شاهزاده شعاع السلطنه، مردم مشهد، قم، همدان، اصفهان، تبریز، رشت و قزوین سر به شورش برداشته و برکناری حکام و استانداران را درخواست نمایند. مردم در گرماگرم مبارزه با کارگزاران حکومتی و عمال استبداد خواهان برقراری نظم و عدالت اجتماعی و حکومت قانون و مجلس نمایندگان منتخب همگان بودند. (مک)